

## لذت زندگی از نگاه قرآن

حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی اکبر حسینی\*

### اشاره

زندگی مؤمنان راستین، سرشار از لذت‌های عمیق معنوی است و آن‌که به زیور ایمان آراسته است، سرخوش از حقایق و عنایاتی است که در دنیا از آنها بهره‌مند است. راه‌های بسیاری برای نیل به لذت زندگی مؤمنانه وجود دارد که از جمله آنها، عبادت خالصانه خداوند رحمان، یعنی انقیاد و خضوع<sup>۱</sup> و اطاعت خاشعانه<sup>۲</sup> از اوست؛ چراکه اساساً هدف آفرینش انسان، عبادت و بندگی اوست؛ «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>۳</sup> جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام.»

بر اساس قانون کنش و واکنش، انسان هر کاری را به امید نتیجه‌ای انجام می‌دهد و عبادت نیز از این قانون مستثنا نیست و مؤمنان انتظار دارند که بندگی آنان ثمربخش باشد. در منابع اسلامی

---

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. احمد فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۸۹.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۷۳.

۳. ذاریات، آیه ۵۶.

برای عبادت آثاری مانند: دوری از گناه، رهایی از آتش، برخورداری از بهشت، شادی، لذت، نشاط، آرامش، بیان شده است. بدیهی است که همه نتایج گفته‌شده می‌تواند موجب لذت مؤمن شود؛ اما مقصود از لذت مؤمنانه در این نوشتار، لذتی است که انسان در اثر دوری از گناه، پیروی از دستورات الهی و رازونیز با پروردگار خود به آن نایل می‌گردد. در این نوشتار، ضمن اشاره به معنای لذت و اقسام آن، شاخص‌های زندگی مؤمنانه را برمی‌شماریم.

### الف. تعریف لذت

ادراک خوشی، گوارایی<sup>۱</sup> و خوشی در مقابل ناراحتی<sup>۲</sup>، برخی از معانی واژه «لذت» در منابع لغوی است و بهجت، ذوق، تمتع و حظ، واژگان مترادف واژه لذت هستند. در تعریف اصطلاحی، لذت، درک و احساسی است که ملائم و موافق با طبع انسان باشد.<sup>۳</sup>

### ب. اقسام لذت

لذت، به دو نوع جسمی (مادی) و روحی (معنوی) تقسیم می‌شود.

#### ۱. لذت جسمی (مادی):

لذت مادی، شامل «لذت‌های مستقیم» همچون: خوردن، آشامیدن و پوشیدن و «لذت‌های غیرمستقیم» مانند: مهارت، محبوبیت، تسلط بر دیگران، تفریح در دامان طبیعت، امنیت، آزادی و کشف حقایق علمی می‌باشد.<sup>۴</sup>

#### ۲. لذت روحی (معنوی):

لذت روحی، مانند: انجام تکلیف، مناجات، رضایت از مقدرات الهی، محبوب خدا بودن و حبّ الهی.<sup>۵</sup> این نوع لذت، نسبت به نوع اول، برتر است. برخورداری از لذت زندگی مؤمنانه، آن‌گونه‌که انبیا و اولیای الهی در نخواستار خود از آن سخن می‌گویند و آن را آرزو می‌کنند، لذتی است پایدار که منشأ آن، درک عظمت خدا و محبت نسبت به حق تعالی است.<sup>۶</sup>

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۳، ص ۳۵۷۷.

۲. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۷۳۴۳.

۳. ر.ک: محمدتقی جعفری، آفرینش و انسان، ص ۱۶۰-۱۸۱.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

استاد شهید مطهری درباره انواع لذت انسان می نویسد:

«یک نوع، لذت‌هایی است که به یکی از حواس انسان تعلق دارد که در اثر برقراری نوعی ارتباط میان یک عضو از اعضا با یکی از مواد خارجی حاصل می‌شود؛ مانند لذتی که چشم از راه دیدن و گوش از راه شنیدن و دهان از راه چشیدن و لامسه از راه تماس می‌برد.

نوع دیگر، لذت‌هایی است که با عمق روح و وجدان آدمی مربوط است و به هیچ عضو خاص مربوط نیست و تحت تأثیر برقراری رابطه با یک ماده بیرونی حاصل نمی‌شود؛ مانند لذتی که انسان از احسان و خدمت، یا از محبوبیت و احترام، و یا از موفقیت خود یا موفقیت فرزند خود می‌برد که نه به عضو خاص تعلق دارد و نه تحت تأثیر مستقیم یک عامل مادی خارجی است. لذات معنوی، از لذات مادی، هم قوی‌تر است و هم دیرپاتر. لذت عبادت و پرستش خدا، برای مردم عارف حق‌پرست، از این‌گونه لذات است. عابدان عارف که عبادتشان توأم با حضور و خضوع و استغراق است، بالاترین لذت‌ها را از عبادت می‌برند. در زبان دین، از «طعم ایمان» و «حلاوت ایمان» یاد شده است. ایمان، حلاوتی دارد فوق همه حلاوت‌ها. لذت معنوی آنگاه مضاعف می‌شود که کارهایی از قبیل: کسب علم، احسان، خدمت، موفقیت و پیروزی، از حس دینی ناشی گردد و برای خدا انجام شود و در قلمرو «عبادت» قرار گیرد.»<sup>۱</sup>

### ج. ویژگی‌های زندگی مؤمنانه

برای چشیدن لذت معنوی و حلاوت ایمان، باید به بلوغ و رشد کافی رسید؛ این رشد و بلوغ، جز با برنامه و تحمل سختی‌ها میسر نمی‌شود. برای نیل به زندگی مؤمنانه، باید از ویژگی‌هایی چند برخوردار بود. مهم‌ترین این شاخص‌ها، عبارت‌اند از:

#### ۱. خداشناسی و خداگرایی

خداشناسی، یعنی درک این حقیقت که خداوند آفریننده، مدبّر و مربّی جهان هستی و انسان است و همه موجودات، همواره نیازمند او هستند.<sup>۲</sup> امام علی علیه السلام خداشناسی را برترین دانش،<sup>۳</sup>

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۴۹.

۲. فاطر، آیه ۱۵.

۳. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۸۱.

عامل ترس از خدا<sup>۱</sup> و دل‌کندن از دنیا می‌داند.<sup>۲</sup> خداشناسی، مهم‌ترین پیش‌نیازِ برخورداری از لذت زندگی مؤمنانه است. امام باقر علیه السلام در جواب این سؤال که آیا خدایی را که عبادت می‌کنید، می‌بینید، می‌فرماید: «من خدایی را که نینم، پرستش نمی‌کنم؛ مَا كُنْتُ لِأَعْبُدَ شَيْئًا لَمْ أَرَهُ.»<sup>۳</sup>

معرفت، در صورتی موجب لذت مؤمنانه می‌شود که به گرایش قلبی و محبت تبدیل شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَا أَنْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ؛<sup>۴</sup> دلم از نور شناخت خدا لبریز است.»

آن‌کس که تو را شناخت جان را چه کند      فرزند و عیال و خانمان را چه کند  
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی      دیوانه تو هر دو جهان را چه کند<sup>۵</sup>

## ۲. پیروی از رسولان الهی

لازمه معرفت واقعی و محبت صادقانه به خداوند، اطاعت و پیروی از مجبان الهی است. این نکته، در آیه ۳۱ سوره آل عمران بیان شده است: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ؛ بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید؛ تا خدا هم شما را دوست بدارد.» با توجه به آیه ۸۰ سوره نساء که فرموده: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»، اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله، اطاعت از خداست. امام سجاد علیه السلام از خداوند می‌خواهد تا برای رسیدن به مقام رضای الهی، محبت خود را پیشوای آن حضرت قرار دهد؛ چراکه راه‌های سخت، تنها با پای محبت پیموده می‌شود؛ «أَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِيَّاكَ قَائِدًا إِلَيَّ رِضْوَانِكَ.»<sup>۶</sup>

کشته شمشیر عشق، حال نگوید که چون      تشنه دیدار دوست، راه نرسد که چند<sup>۷</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسی که از فرمان خدا پیروی نکند، او را دوست ندارد.»<sup>۸</sup> اما در جهان مادی، عواملی مانند: دنیا، نفس و شیطان، موجب غفلت و فراموشی یاد خدا می‌شوند و

۱. همان، ص ۱۸۷.

۲. همان، ص ۱۸۸.

۳. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۰۷.

۴. دعای کمیل.

۵. مولوی، دیوان شمس، رباعی ۴۹۱.

۶. الصحیفة السجادية، ص ۴۱۴.

۷. سعدی، دیوان اشعار، غزل ۲۱۶.

۸. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۴۸۹.

عشق‌های مجازی، لذت‌های ناپایدار و بت‌های موهوم را در جایگاه محبت خدا می‌نشانند و آدمی را از لذت زندگی مؤمنانه محروم می‌سازند.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: نظام آفرینش، بر اساس محبت خدا خلق شده است؛ «بَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ.»<sup>۱</sup> قرآن می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»<sup>۲</sup> گروهی از مردم به جای خدا معبودهایی انتخاب می‌کنند و آنها را آن‌گونه که سزاوار است خدا را دوست داشت، دوست می‌دارند؛ ولی مومنان، محبتشان به خدا بیشتر و قوی‌تر است.» بنابراین، لازمه لذت زندگی مؤمنانه، دوستی خدا و پیروی از فرامین فرستادگان الهی است.

### ۳. دوری از گناه

از نشانه‌های مهم دوستی با خداوند، این است که شخصِ مُحَبِّب، از گناه، فاصله بگیرد. امام صادق علیه السلام دوستی خدا را با گناه، ناسازگار می‌داند و می‌فرماید: «چگونه می‌توان از محبت خدا سخن گفت و از فرمان او سرپیچی کرد؟<sup>۳</sup> همو فرمود: «در جست‌وجوی شیرینی عبادت بودم؛ آن را در ترک گناه یافتیم.»<sup>۴</sup> حضرت موسی علیه السلام در حال رفتن به کوه طور بود که جوانی با تمسخر به ایشان گفت: «به خداوند بگو: چرا هرچه گناه می‌کنم، مرا عذاب نمی‌کنی.» حضرت موسی علیه السلام مشغول عبادت شد و از بیان درخواستِ جوان به خداوند شرم داشت؛ به موسی علیه السلام خطاب شد: «آن جوان چه گفت؟» حضرت پاسخ داد: «خدایا! تو خود بهتر می‌دانی.» خطاب آمد: «به آن جوان بگو: مدت‌هاست تو را مجازات کرده‌ایم؛ همین که لذت مناجات با خود را از تو گرفته‌ایم، بالاترین مجازات است.»<sup>۵</sup>

آلودگی به گناه، به‌ویژه گناهانی مانند: دروغ<sup>۶</sup>، شهوت‌پرستی<sup>۷</sup>، دنیا‌فریفتگی<sup>۸</sup>، دنیا‌گرایی<sup>۹</sup>، از

۱. الصحیفة السجادیة، ص ۱۷.

۲. بقره، آیه ۱۶۵.

۳. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۵.

۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۳.

۵. کامل بهائی، ج ۲، ص ۱۴۹.

۶. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۵۵.

۷. حلوانی، حسین، تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۱۶.

۸. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۹۴-۳۹۵.

۹. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۸.

موانع درک لذت ایمان و عبادت هستند. امام سجاده علیه السلام از خداوند می‌خواهد که محبت دنیا را از قلب او بزدايد؛ «أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا»<sup>۱</sup>

#### ۴. مناجات با خدا

پس از شناخت، محبت، پیروی از دستورات الهی و ترک گناه، به تدریج، وجود مُحب از شور و اشتیاق لبریز می‌شود و میل به راز و نیاز با محبوب در درون او شعله‌ور می‌گردد؛ تا جایی که وجودش غرق معبود خواهد شد.

ز بس بستم خیال تو، تو گشتم پای تا سر من  
تو آمد خرده خرده رفت من آهسته آهسته  
سپردم جان و دل نزد تو و خود از میان رفتم  
کشیدم پای از کوی تو من آهسته آهسته<sup>۲</sup>

پیامبران، امامان معصوم و اولیای الهی، لذت عبادت را برترین لذت دانسته همواره از خدا تمنا دارند تا از لذت راز و نیاز و شیرینی دوستی و قرب الهی بهره‌مند شوند؛ «وَمَتَّعْنَا بِلَذِيذِ مَنَاجَاتِكَ وَ أَوْرَدْنَا حَيَاضَ حُبِّكَ وَ إِذْقْنَا حَلَاوَةَ وُدِّكَ وَ قُرْبِكَ»<sup>۳</sup>

عوامل متعددی می‌تواند لذت معنوی را برای انسان فراهم آورد، اما در این میان، هیچ عاملی به اندازه محبت و دوستی متقابل لذت‌بخش نیست. از این رو، در آیات قرآن بر محبت تکیه شده است. در تعدادی از آیات قرآن ابتدا به توصیف بهشت و ویژگی‌های آن پرداخته شده است؛ مانند: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ»<sup>۴</sup> بدون شک، وعده بهشت، برای مؤمنان لذت‌بخش است. در ادامه این آیه، بعد از بشارت مذکور، از «رضوان الهی» به عنوان کامیابی بزرگ یاد شده است؛ «وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»<sup>۵</sup> از این مطلب می‌توان دریافت که رضوان، پاداش ویژه گروه خاصی از مؤمنان است.

اهمیت محبت در قرآن، چندان زیاد است که در شماری از آیات قرآن، محبت خدا از شرایط ایمان راستین شمرده شده است؛ «الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»<sup>۶</sup> آنان که ایمان آورده‌اند، محبتشان به

۱. الصحیفة السجادية، ص ۴۲۲.

۲. فیض کاشانی، دیوان اشعار، غزل ۸۲۴.

۳. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۱۴۷.

۴. توبه، آیه ۷۲.

۵. بقره، آیه ۱۶۵.

خدا بیشتر و شدیدتر [از غیر خدا] است.» همچنین، آیاتی که یاد خدا را منشأ آرامش می‌داند؛ «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.»<sup>۱</sup> و نیز آیاتی که منشأ نزول آرامش را خداوند می‌داند؛ «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ.»<sup>۲</sup> این آیات، در حقیقت، لذت‌های مؤمنانه را یادآور می‌شوند؛ زیرا، آرامش و رهایی از ترس و نگرانی که در این آیات به آنها اشاره شده، از مهم‌ترین عوامل لذت زندگی ایمانی می‌باشد.

پیش‌تر بیان شد که مؤثرین عامل لذت، محبت و دوستی است و کلمات معصومان عليهم السلام، آکنده از تعابیری است که محبت آنان را به خداوند نشان می‌دهد. همین محبت، موجب می‌شود که نهایت آرزوی ایشان راز و نیاز با خدا باشد. امام علی عليه السلام به خداوند عرض می‌کند: «أَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي؛<sup>۳</sup> تو پایان آرزوهای منی.» و در دعای کمیل عرض می‌نماید: «إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ.»

امام سجاد عليه السلام ضمن بیان محبت خود به خدا، نگرانی خویش را از دوری حق یادآور می‌شود: «أَمْ بَعْدَ حُبِّي إِيَّاكَ تُبْعِدُنِي.»<sup>۴</sup> و یا می‌فرماید: «دلی را که در کمند عشقت اسیر کردی، چگونه در آتش قهرت می‌سوزانی؛ وَصَمِيمٌ أَنْعَقَدَ عَلَى مَوْدَتِكَ كَيْفَ تُحْرِقُهُ بِحَرَارَةِ نِيرَانِكَ.»<sup>۵</sup>

این عشق‌ورزی، در مناجات‌المحبتین به اوج خود می‌رسد: «إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا؟<sup>۶</sup> و کیست که با مقام قرب تو انس گیرد و روی از تو برتابد و دیگری را برگزیند؟» اگر لذت ترک لذت بدانی دگر شهوت نفس، لذت نخوانی<sup>۷</sup>

استاد شهید مطهری می‌نویسد:

«ما یک سلسله لذت‌های معنوی داریم که معنویت ما را بالا می‌برد. برای کسی که اهل تهجد و نماز شب باشد، جزو صادقین و صابریین و مستغفرین بالأسحار باشد، نماز شب لذت و بهجت

۱. رعد، آیه ۲۸.

۲. فتح، آیه ۴.

۳. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۲۴۴.

۴. همان، ص ۱۴۳.

۵. همان، ص ۱۴۴.

۶. همان.

۷. سعدی، کلیات، غزل ۱.

دارد. آن لذتی که یک نفر نماز شب خوان حقیقی و واقعی از نماز شب خودش می‌برد، از آن *اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ اتُوبُ إِلَيْهِ* ها می‌برد، از آن *الْعَفْوُ* گفتن‌ها و یادکردن و دعاکردن‌های حداقل چهل مؤمن می‌برد و آن لذتی را که از آن *یا رَب یا رَب* گفتن‌ها می‌برد، هیچ‌وقت یک آدم عیاش که در کباب‌ها می‌گردد، احساس نمی‌کند. لذت آن نماز شب‌خوان، خیلی عمیق‌تر، نیرومندتر و نشاط‌بخش‌تر است. به خدا قسم! لذاتی که یک مرد با ایمان در آن وقت شب، برابر است با یک عمر لذت مادی در این دنیا... و ما چنین اشخاصی را دیده‌ایم؛ به لذت‌های مادی‌ای که ما دل بسته‌ایم، هیچ اعتنا ندارند.

چه مانعی دارد که من ذکر خیری از پدر بزرگوار خودم بکنم. از وقتی که یادم می‌آید - حداقل از چهل سال پیش - من می‌دیدم این مرد بزرگ و شریف هیچ‌وقت نمی‌گذاشت و نمی‌گذارد که وقت خوابش از سه ساعت از شب گذشته تأخیر بیفتد. شام را سر شب می‌خورد و سه ساعت از شب گذشته می‌خوابد و حداقل دو ساعت - و در شب‌های جمعه سه ساعت - به طلوع صبح مانده بیدار می‌شود و حداقل قرآنی که تلاوت می‌کند، یک جزء است و با چه فراغت و آرامشی نماز شب می‌خواند!<sup>۱</sup>

نمونه زیر نیز حاکی از عشق به خداوند است:

گوهرشاد خانم، همسر شاهرخ میرزا و عروس امیر تیمور گورکانی، سازنده مسجد معروف گوهرشاد مشهد، بیش‌تر وقت‌ها خود جهت هدایت و سرکشی حاضر می‌شد و دستورات لازم را می‌داد. روزی یکی از کارگران به طور ناگهانی نگاهش به صورت او افتاد و با همین نگاه، آتش عشق در وجودش شعله‌ور گشت و دل‌باخته او شد؛ اما در این باره نمی‌توانست چیزی بگوید تا اینکه غم و غصه فراوان، او را مریض کرد. به خانم گزارش دادند که یکی از کارگران که با مادرش زندگی می‌کرد، مریض شده است. بعد از شنیدن این ماجرا، خانم به عیادتش رفت و علت را جویا شد. مادر کارگر جوان گفت: او عاشق شما شده است. خانم با اینکه عروس شاهزاده بود، اما هیچ ناراحت نشد! به مادر جوان گفت: باشد، وقتی من از همسرم جدا شدم، با او ازدواج می‌کنم؛ ولی به شرط اینکه مهریه من را قبل از ازدواج بپردازد و آن این است که چهل شبانه‌روز در محراب این مسجد نیمه‌کاره عبادت کند. جوان پذیرفت و چند روز از پی عشق او عبادت

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۸۶.



کرد؛ ولی با توجه خاص امام رضا علیه السلام حالش تغییر یافت. پس از چهل روز، خانم از حال جوان جو یا شد؛ جوان به فرستاده خانم گفت: به خاطر لذتی که در اطاعت و بندگی خدا یافتم، از لذت نفس شهوانی پرهیز کرده‌ام.<sup>۱</sup>

#### ۵. دوست داشتن دوستان خدا

در اندیشه تشیع، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام همچون پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، محبوب خدا<sup>۲</sup> و در بالاترین سطح دوستی با خداوند قرار دارند<sup>۳</sup> و دوست داشتن آنان، نشانه دوستی با خدا و از ارکان ایمان محسوب می‌شود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.»<sup>۴</sup> یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام نقل نموده: در مجلسی که امام حضور داشت، یکی از حضار گفت: از خدا بهشت را مسئلت می‌کنم، «امام علیه السلام فرمود: «شما هم اکنون نیز در بهشت هستید. از خدا بخواهید تا شما را از بهشت خارج نکند؛ حاضران با شگفتی گفتند: «جُعِلْنَا فِدَاكَ نَحْنُ فِي الدُّنْيَا!» امام پاسخ داد: «أَلَسْتُمْ تُقَرُّونَ بِإِمَامَتِنَا؛ آیا به امامت ما اقرار نکرده‌اید؟» حاضران جواب دادند: «آری.» امام فرمود: «هَذَا مَعْنَى الْجَنَّةِ الَّذِي مَنْ أَقْرَبَهُ كَانَ فِي الْجَنَّةِ فَاسْأَلُوا اللَّهَ أَنْ لَا يَسْلُبَكُمْ.»<sup>۵</sup> بر اساس این روایت و مانند آن، ولایت اهل بیت علیهم السلام حضور در بهشت است و حضور در بهشت، اوج لذت مؤمنانه است.

حکام بن عتیبه می‌گوید: «روزی در محضر امام باقر علیه السلام نشسته بودیم، ناگهان پیرمردی که بر عصای بلندی تکیه کرده بود، وارد شد. جلوی در ایستاد و گفت: سلام و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد ای فرزند رسول خدا! و سپس ساکت شد. امام باقر علیه السلام پاسخ او را داد. پیرمرد به حاضران کرد و به آنان نیز سلام داد و همگی جواب سلامش را دادند. آنگاه روی خود را به سمت امام باقر علیه السلام کرد و گفت: ای فرزند رسول خدا! مرا نزدیک خود بنشان که به خدا سوگند! من به شما و دوستانتان علاقه‌مندم. به خدا سوگند! این دوستی‌ها برای دنیا نیست و به خدا قسم! من دشمن دارم دشمنانتان را و از آنان بیزارم. به خدا سوگند! این دشمنی و بیزاری به این دلیل نیست

۱. محمدحسین محمدی، کتاب هزار و یک حکایت اخلاقی، ص ۷۷.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۳۰.

۳. آل عمران، آیه ۳۱.

۴. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶.

۵. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۰۳.

که آنان فردی از اطرافیانم را کشته باشند. به خدا سوگند! من حلال شما را حلال می‌دانم و حرامتان را حرام می‌شمارم و چشم به فرماتتان دارم. قربانت گردم! آیا [به این ترتیب] درباره من امید [سعادت و نجات] داری؟

امام باقر علیه السلام فرمود: «پیش بیا.» سپس، او را نزد خود نشانید و فرمود: «ای پیرمرد! همانا مردی نزد پدرم علی بن حسین علیه السلام شرفیاب شد و همین پرسش را مطرح کرد. پدرم به او فرمود: اگر [با این حال] بمیری، بر رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی، حسن، حسین و علی بن حسین علیه السلام وارد شوی و دلت خنک شود، قلبت آرام گیرد، دیده‌ات روشن گردد و به همراه نویسندگان اعمالت با روح و ریحان از تو استقبال شود و این، در وقتی است که جان به اینجای تو رسد - و با دست به گلوی خود اشاره نمود - و اگر زنده بمانی، آنچه را موجب چشم‌روشنی‌ات هست، بینی و در بالاترین درجات بهشت با ما خواهی بود.»

پیرمرد گفت: چه فرمودی ای ابا جعفر؟ [پیرمرد با تعجب از امام خواست تا کلامش را تکرار کند.] امام علیه السلام همان سخنان را برای او تکرار کرد. پیرمرد گفت: الله اکبر! ای ابا جعفر! اگر بمیرم، بر رسول خدا، علی، حسن، حسین و علی بن حسین علیه السلام وارد شوم و دیده‌ام روشن گردد، دلم خنک شود، قلبم آرام گیرد و به همراه نویسندگان اعمالم با روح و ریحان مورد استقبال قرار گیرم؛ هنگامی که جانم به اینجا رسد و اگر زنده بمانم، بینی آنچه را دیده‌ام بدان روشن گردد و با شما باشم در بالاترین درجات بهشت؟ این جملات را گفت و آن قدر گریه کرد تا نقش بر زمین شد. حاضران نیز که حال پیرمرد را دیدند، به گریه و زاری پرداختند.

امام باقر علیه السلام [که چنان دید،] با انگشت خود قطرات اشک را از گوشه‌های چشم آن پیرمرد پاک کرد. پیرمرد سربلند کرد و عرضه داشت: «دستت را به من بده قربانت گردم!» حضرت دستش را به پیرمرد داد و او دستشان را می‌بوسید و بر دیده و رخ خود می‌گذارد و سپس، خداحافظی کرد و به راه افتاد. [وقتی پیرمرد در حال رفتن بود،] امام باقر علیه السلام نگاهی به او کرد و رو به حاضران فرمود: «هرکس می‌خواهد مردی از اهل بهشت را ببیند، به این مرد بنگرد.»<sup>۱</sup>

## ۶. معادباوری و اشتیاق به مرگ

در آموزه‌های دینی مبدأ و مقصد جهان به هم گره خورده است. این امر، در ایجاد زندگی مؤمنانه

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۷۶.

نقش اساسی دارد. از سوی دیگر، «مرگ» یکی از پندآموزترین حوادث زندگی بشری است که توجه به آن، قلب‌های مستعد را از خواب غفلت بیدار کرده، غرور و نخوت را از اعماق جان آدمی ریشه‌کن می‌سازد. یاد مرگ و قیامت در تربیت انسان تأثیر فراوانی دارد و در منابع روایی اسلام نیز بدان اشاره شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «یاد مرگ، خواهش‌های نفس را می‌میراند و رویشگاه‌های غفلت را ریشه‌کن می‌کند و دل را با وعده‌های خدا نیرو می‌بخشد و طبع را لطیف می‌سازد و پرچم‌های هوس را در هم می‌شکند و آتش حرص را خاموش می‌سازد و دنیا را در نظر کوچک می‌کند.»<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده: «أَفْضَلُ الرَّهْدِ فِي الدُّنْيَا ذِكْرُ الْمَوْتِ وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَأَفْضَلُ التَّفَكُّرِ ذِكْرُ الْمَوْتِ»<sup>۲</sup> برترین زهد در دنیا، بهترین عبادت و بافضیلت‌ترین اندیشه‌ها، یاد مرگ است. آثار یادشده، زمینه‌های توجه به خدا و افزایش محبت به پروردگار را به وجود می‌آورد و چنانچه بیان شد، محبت، مؤثرترین عامل برای رسیدن به لذت مؤمنانه است. کسانی که پیوسته به یاد قیامت و مرگ باشند، حقارت دنیا را به خوبی درمی‌یابند و شوق عروج و رهایی از زندان دنیا در آنان ایجاد می‌شود. بنابراین، یکی دیگر از شاخص‌های زندگی مؤمنانه و برخوردار از لذت ایمان، اشتیاق به مرگ است. امام علی علیه السلام اهل تقوا را این‌گونه توصیف می‌کند: «وَلَوْ لَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ»<sup>۳</sup> و اگر خداوند برای زندگی دنیایی آنان زمان معینی را مقرر نکرده بود، از شوق ثواب و بیم از عذاب، به اندازه چشم‌به‌هم‌زدنی روحشان در بدنشان قرار نمی‌گرفت.»

نمونه‌ای از عشق به خدا، حدیثی است که شیعه و سنی آن را روایت کرده‌اند.<sup>۴</sup> گویند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از روزها بعد از نماز صبح زیدبن حارثه را با حالت غیرعادی و چهره‌ای رنجور می‌بیند. حال او را می‌پرسد: «كَيْفَ اصْبَحْتَ يَا حَارِثَةَ؟» زید پاسخ می‌دهد: «اصْبَحْتُ مَوْفِقًا؛ صبح کردم؛ درحالی‌که اهل یقین هستم.» آن حضرت می‌فرماید: «مَا عَلَامَةُ يَقِينٍ؟» نشانه یقین تو چیست؟» زید عرض می‌کند: یقین، خواب شب را از من گرفته و روزها مرا به گرسنگی

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۳۳.

۲. همان، ص ۱۳۷؛ همان، ج ۷۵، ص ۳۴۷.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۴. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۹۹.

و اداری کرده است.» پیامبر بار دیگر از او می‌خواهد تا نشانه‌های بیشتری بیان کند و زید ادامه می‌دهد: «ای رسول خدا! چنانم که نغمه‌های بهشتیان و ضجه‌های جهنمیان را با گوش خود می‌شنوم و با چشم خویش می‌بینم.» سپس گفت: «ای رسول خدا! اگر اجازه دهید، خواهم گفت کدام یک از اصحاب تو بهشتی و کدام اهل دوزخ‌اند.» در این لحظه، پیامبر از او خواست تا سکوت کند.<sup>۱</sup>

### ۷. بهره‌مندی مشروع از نعمت‌های مادی

منابع اسلامی، هرگز مؤمنان را از لذت‌های مادی محروم نمی‌کند؛ بلکه در آیات و روایات فراوانی، مؤمنان به استفاده از زیبایی‌ها، شادمانی و لذت‌های حلال مادی نیز ترغیب شده‌اند. واژه «كُلُوا»، ۲۰ بار در قرآن تکرار گردیده و در ۱۸ مورد، به مؤمنان دستور داده شده که از رزق گوارای خداوند استفاده کنند؛ «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ»<sup>۲</sup> آنچه در اسلام نکوهش شده و از آن منع گردیده، ظلم به دیگران، دنیا‌گرایی و سرکشی در برابر خداست؛ «وَلَا تَطْفُوا فِيهِ»<sup>۳</sup> همین سرکشی است که موجبات خشم خداوند را فراهم می‌سازد؛<sup>۴</sup> نیز آنچه نکوهش شده، زیاده‌روی و اسراف در کام‌جویی و لذت‌طلبی است: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»<sup>۵</sup> و یا در برخی آیات آمده: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالتَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...»<sup>۶</sup> بدیهی است که علت اصلی این محدودیت و ممنوعیت، آسیب‌های جبران‌ناپذیر روحی و جسمی است که در افراط و تفریط وجود دارد.

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۴، ص ۵۱۸.

۲. طه، آیه ۸۱.

۳. طه، آیه ۸۱.

۴. طه، آیه ۸۱.

۵. اعراف، آیه ۳۱؛ اسراء، آیه ۲۷.

۶. اعراف، آیه ۳۲.